

آفریقای جنوبی پس از نلسون ماندلا

وقتی به ماندلا رئیس جمهوری پیشین آفریقای جنوبی جمله «عصر ماندلا» را می‌گویید او به خشم می‌آید و با اشاره دست بی‌حوصلگی خود را از شنیدن این توصیف نشان می‌دهد، معترض می‌شود و می‌گوید این جمله، تاریخچه اخیر کشورش را پیش از پیش منکی بر یک شخص توصیف می‌کند. ماندلا با تاکید می‌گوید که در مدت پنج سال ریاست جمهوری که مانند سال‌های پیش از آن دورانی بسیار سخت بود، او در هر گامی که برمی‌داشت با همکاریش در کنگره ملی آفریقا مشورت می‌کرد.

برای مردم آفریقای جنوبی این موضوع که ماندلا در هر گام چه کرده است اهمیتی ندارد، بلکه آنچه که اهمیتی پر عظمت دارد این است که او مرد بی‌نظیری است که کشورشان را از دوران سیاه‌آبارتاید به روشنایی دموکراسی رهبری کرده است. ماندلا هم برای سیاهان و هم برای سفیدپوستان یک مظهر آشتی نژادی است که سال‌ها در میان انبوهی از مشکلات و مدعیان قدرت چون داورى منصف، عمل کرده است. شخصیت مسؤلیت‌پذیر و ویژگی‌های فردی او در کسب دست‌آوردهای قابل توجه در آفریقای جنوبی و در سطح جهانی موجب شده است که همگان او را یک معجزه‌گر بی‌چون و چرا توصیف کنند.

عصر ماندلا با انتخابات اخیر آفریقای جنوبی به پایان می‌رسد. ماندلا در هشتاد سالگی بازنشسته می‌شود و جهان را در این نگرانی فرو می‌برد که در فقدان دست‌ها و صدای رسای این فرد بزرگ آرامش اجتماعی شکننده چگونه در آفریقای جنوبی دوام خواهد آورد؟ این نگرانی‌ها بی‌اساس نیست، زیرا گرچه جانشین ماندلا - آقای امبکی - مدت‌ها است مسؤلیت‌های دولتی را به عهده دارد، ولی کمتر کسی معتقد است که او شایستگی‌های ماندلا را در خود جمع دارد. امبکی تحت رهبری ماندلا موفق شده است سیاست‌های حساب شده‌ای را برای پایین نگه داشتن بدهی‌های کشور، کنترل



«امبکی» جای ماندلا را گرفته است... او می‌تواند ثبات در آفریقای جنوبی را حفظ کند.

تورم و ارتقاء سرمایه‌گذاری به اجرا گذارد. این سیاست‌ها موجب شده است که بهبودی چشم‌گیری در وضع زندگی سیاهان و رشد اقتصادی کشور دیده شود. چنانچه امبکی موفق شود همین راه را ادامه دهد می‌توان گفت که دومین معجزه در آفریقای جنوبی به وقوع پیوسته است. اما مسأله اینجاست که این موفقیت‌ها مرهون حضور دائمی ماندلا در کنار امبکی بوده است و امروزه که ماندلا دیگر در کنارش نیست چه خواهد کرد؟

امبکی ۵۶ ساله که به جای ماندلا به رهبری کنگره ملی آفریقا نیز برگزیده شده است، در انتخابات سال ۱۹۹۴ موفق شد ۶۲/۶ درصد از آراء و ۲۵۲ کرسی از ۴۰۰ کرسی پارلمان آفریقای جنوبی را برای کنگره ملی به دست آورد. در انتخابات سال جاری نیز کنگره ملی موفق شد بیش از ۶۶ درصد آراء و دو سوم کرسی‌های مجلس ملی آفریقای جنوبی را به

خود اختصاص دهد که پیشنهادی است عظیم برای پیشبرد برنامه‌های آقای امبکی، و تجلیل شایسته و در خور از نلسون ماندلا در آستانه بازنشستگی.

ایجاد تغییرات در بالاترین سطح سیاست آفریقای جنوبی تأثیری ژرف در آینده این کشور دارد. رابرت شرابیر، مدیر تحقیقات سیاسی در دانشگاه کیپ تاون می‌گوید: «با سقوط یا ابقاء امبکی جامعه آفریقای جنوبی سقوط می‌کند یا تثبیت می‌شود». این یک گزاره‌گویی نیست. امبکی دست کم سه سال است با کارآیی بسیار، هیأت دولت آفریقای جنوبی را اداره کرده و به نظر می‌رسد که

در ده سال آینده نیز مرد بی‌رقیب صحنه سیاسی کشورش باشد. پیروزی یا شکست امبکی در اجرای برنامه‌هایش تعیین کننده سرنوشت آینده آفریقای جنوبی است. امبکی خود می‌گوید: در طول پنج سالی که ماندلا بر سرکار بود زیربناهایی از ساختار اجتماعی و دولتی را پی ریخت که در آن مملکت از شر آبارتاید نجات یافت و کشور به مکانی بهتر برای زندگی مردم تبدیل شد.

و امروز نوبت امبکی است که این ساختار را همچنان فعال نگاه دارد و پایه‌های آن را مستحکم‌تر کند.

امروز همه چشم‌ها به امبکی دوخته شده است، در پنجسال گذشته، او به عنوان معاون ریاست جمهوری می‌کوشید رفتارش به گونه‌ای باشد که تصور نشود رقیبی است برای رئیس خود ماندلا. طرز رفتار، نقائص و خصوصیات فردی او هیچگاه با حضور ماندلا فرصت

خودنمایی نمی‌یافت، ولی امروز او دیگر در کنار ماندلا نیست، بلکه جانشین او است و برمسندش تکیه زده است. امروز مردم درباره‌اش قضاوت خواهند کرد، آیا قدرت تحمل انتقاد را دارد؟ آیا یک دیپلمات خونسرد است و یا با ناملامتی از کوره در می‌رود؟ ظرفیت و توانایی انجام کارهای بزرگ را دارد؟ ناظرانی که با او آشنایی دارند می‌گویند: رفتاری مدبرانه که او در از میدان به در کردن رقبای سیاسی خود در کنگره ملی داشته و موفقیت او در کسب منصب ماندلا نشان می‌دهد که او سیاستمداری است با ظرفیت، مدیری است برجسته و شخصیتی است سرسخت ولی سازنده. آن‌ها می‌گویند چون امبکی بیش از بیست سال از عمر خود را در تبعید به سر برده شخصیتی تودار یافته است و ترجیح می‌دهد مسائل مهم و برنامه‌ریزی‌های تعیین‌کننده را در پشت درهای بسته انجام دهد و بنابراین نباید انتظار داشت از تصمیمات کابینه‌اش چیز زیادی به بیرون درز کند. دوستانش می‌گویند: او سیاستمداری با شخصیت است که می‌تواند چهره آفریقای جنوبی را آن چنان که ماندلا ترسیم کرده برای جهانیان تازه و دلپذیر نگاه دارد.

این اظهارنظرها تا حدودی درست است. امبکی مردی پرکار است، به عنوان معاون ریاست جمهوری، در همه زمینه‌های اقتصادی، سیاست خارجی و مسائل داخلی - چون امنیت، خدمات دولتی و توریسم - هم صاحب‌نظر بود، و هم به صورتی خستگی‌ناپذیر روی این مسائل کار می‌کرد. از سیاهان ثروتمند به دلیل عدم شناخت جامعه‌شان انتقاد می‌کرد و از همگان دعوت به عمل می‌آورد تا اقدام به قطع ریشه‌های فساد و ارتشاء کنند و بر هزینه‌های کلان نظارت داشته باشند.

در دوران ماندلا که امبکی نیز سهمی از تحولات آن دارد، کارهای زیادی برای ایجاد همبستگی ملی انجام شده است که اکثراً در فضایی مسالمت‌آمیز، سیاهان به تدریج جای سفیدپوستان را گرفته‌اند. یک تازه وارد به کشور، متوجه می‌شود که مأموران گمرک و مقامات اداره مهاجرت برخلاف دوران آپارتاید بیشتر سیاه پوست هستند. مقامات بازرگانی، مأموران دولت و مسؤولان حکومتی که همگی سیاه پوست هستند با در دست داشتن بلیط درج یک

سوال اساسی، هم برای جهانیان و هم برای مردم آفریقای جنوبی این است که آیا «امبکی» می‌تواند جای خالی شخصیت برجسته ماندلا را پر کند؟

هواپیما مسافرت می‌کنند. در خیابان‌های ژوهانسبورگ، کیپ تاون و دوربان بزرگراه‌های چند خطه مملو از اتومبیل‌های آخرین مدل بی - ام - و، مرسدس بنز و هوندایی است که رانندگان سیاه یا سفید آن‌ها تلفن همراه را برگوش می‌فشارند. بیشترین مسؤولان دولتی سیاه پوست هستند. شهرداران ۹۰ درصد از شهرها، سیاه هستند. در دانشگاه «لیلی وایت» پرتوریا که در گذشته تنها سفیدها اجازه تحصیل داشتند امروز هشت هزار دانشجوی سیاه پوست مشغول تحصیل هستند. در مجموع نفرت نژادی که سال‌ها بر آفریقای جنوبی حاکم بود امروز جای خود را به نوعی زندگی مسالمت‌آمیز میان نژادهای مختلف داده است.

تهدیدی برای اثبات اجتماعی

اما اثبات اجتماعی و صلحی سیاسی که بر پایه‌های همبستگی ملی که برای جامعه آفریقای جنوبی بنا کرده توقعاتی را نیز به وجود آورده است محرومان جامعه تا این لحظه شکیبایی به خرج داده‌اند و تا زمانی که ببینند حکومت به وعده‌های خود برای رفع محرومیت عمل می‌کند، احتمالاً بردباری خود را حفظ خواهند کرد، ولی در نبود هیچ اثری از بهتر شدن کیفیت زندگی اکثریت مردم، اوضاع می‌تواند برای اثبات اجتماعی تهدید کننده باشد. در مبارزات انتخاباتی ماه گذشته، کنگره ملی،

وعده‌های بسیار برای بهبود کیفیت زندگی به مردم داد. اما مردم وعده‌های کنگره را در انتخابات گذشته فراموش نکرده‌اند. در انتخابات ۱۹۹۴ کنگره ملی به مردم وعده داد که ظرف پنجسال، یک میلیون خانه برای کسانی که فاقد مسکن هستند خواهد ساخت ولی موفق نشد بیش از نیمی از این تعداد مسکن را بسازد. کنگره ملی معتقد است حکومت او در پنج سال گذشته ده هزار کلاس درس برای ۱/۵ میلیون دانش‌آموز ساخته است و آب آشامیدنی سالم برای سه میلیون شهروند آفریقای جنوبی تامین کرده، با این حال هنوز بیست درصد از جمعیت چهل و دو میلیونی کشور، از داشتن آب بهداشتی محروم هستند. ۶۳ درصد از خانه‌های مسکونی برق دارند که نسبت به ۵ سال پیش دو میلیون خانه جدید دارای برق شده‌اند. سی و پنج درصد از منازل تلفن دارند. دولت موفق شده است در طول پنجسال، بالغ بر ۷۰۰ مرکز درمانی بسازد، و یا مراکز موجود را بازسازی کند. در این مزاکر به خانم‌های آستن و کودکان زیر ۶ سال خدمات بهداشتی و درمانی رایگان ارائه می‌شود. همه این تسهیلات، به علاوه برقراری دمکراسی و محو تبعیض نژادی دستاوردهای کمی نیستند با اینحال انتظارات مردم از دولت روز به روز در حال افزایش است. میلیون‌ها نفر هنوز در زیر خط فقر زندگی می‌کنند، توجه کافی به آن‌ها نمی‌شود و از آینده وحشت دارند. ده میلیون از آنان، یعنی یک چهارم جمعیت هنوز در کلبه‌های محقر و زمین‌هایی که عاری از هر نوع وسایل رفاهی و بهداشتی است در نهایت بی‌چیزی زندگی می‌کنند. آن‌ها از خود می‌پرسند دولت و کنگره ملی چه موقع به دادشان خواهد رسید و دولت پاسخ می‌دهد که قادر نیست چنین ناهنجاری‌های اجتماعی را مرتفع سازد بلکه تلاشش براین است که شرایطی ایجاد کند که در آن امکان رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال و ارتقاء سطح زندگی وجود داشته باشد. اما تأمین چنین شرایطی نیز آسان نیست. آفریقای جنوبی سال گذشته از سرمایه‌گذاری‌های خارجی سنگینی برخوردار شد با این حال ارزش واحد پول آن (راند) ۱۶ درصد سقوط کرد. با سقوط ارزش پول واردات، و به ویژه واردات نفت و فرآورده‌های نفتی گران‌تر از گذشته تمام می‌شود. قیمت سوخت اتومبیل

هر سه ماه یک بار افزایش پیدا می‌کند، قیمت طلا که اصلی‌ترین صادرات کشور است در سال ۱۹۹۷ برای نخستین بار به طور بی‌سابقه‌ای سقوط کرد و به ۳۰۰ دلار در هر اونس رسید و از آن سال تاکنون ارزشی برابر ۲۸۰ دلار برای هر اونس دارد. در سال ۱۹۹۷ که در حقیقت سال پایه‌ریزی اقتصاد مدرن آفریقای جنوبی است رشد تولید ناخالص ملی ۱/۷ درصد بود که سال گذشته روند نزولی به خود گرفت و به یک درصد تنزل کرد. در همین مدت نرخ تورم بالغ بر ۸ درصد بوده است. دولت به منظور کاستن از کمبود موازنه پرداخت‌ها برنامه ریاضت ملی را در پیش گرفته که به نارضایی اجتماعی دامن می‌زند. با اجرای برنامه‌های محافظه کارانه برای ایجاد موازنه پرداخت‌ها - از قبیل پایین نگاه داشتن دستمزدها و فروش بخشی از دارائی‌های دولت - رهبران آفریقای جنوبی امیدوارند در شش سال آینده رشد تولید ناخالص ملی را به ۵ درصد برسانند. کاستن از مالیات بر سرمایه‌گذاری‌های خارجی موجب شده که این سرمایه‌گذاری‌ها روند صعودی بگیرد. با این حال انتظار می‌رود در سال جاری سرمایه‌گذاری‌های داخلی ۲/۳ درصد کاهش پیدا کند.

هر ۱۷ ثانیه یک جنایت

آثار بیکاری مدت‌ها است که به صورت تبه‌کاری در انواع مختلف آن در جامعه آفریقای جنوبی دیده می‌شود. جنایت‌هایی چون قتل، ضرب و شتم، تجاوز و سرقت از سال ۱۹۹۴ دو برابر شده است. در این کشور در هر ۱۷ ثانیه یک جنایت جدی اتفاق می‌افتد و در هر نیم ساعت یک نفر به قتل می‌رسد، در هر دو دقیقه یک سرقت و در هر سه دقیقه یک ضرب و شتم و تجاوز اتفاق می‌افتد. به طور معمول هر شهروند آفریقای جنوبی داستانی هولناک از تبه‌کاری برای تعریف کردن در چنته دارد. زنان و مردان در جلو خانه‌هایشان به وسیله سارقان اتومبیل هدف گلوله قرار می‌گیرند و در خانه‌های خود با چاقو زخمی می‌شوند. گفته می‌شود: در کشور، چهار میلیون سلاح غیرقانونی وجود دارد و اکثر راهزنان، مسلح به سلاح گرم هستند.

پیروزی یا شکست «امبیکی» در اجرای برنامه‌هایش تعیین کننده سرنوشت آینده آفریقای جنوبی است.

گرچه سفید پوست‌ها بیشترین شاکیان وجود تبه‌کاری در جامعه هستند ولی بیشترین قربانیان جنایت سیاه‌پوستانند. همان قدر که شهروندان آفریقای جنوبی از اعمال تبه‌کاران دچار دردسر هستند، پلیس نیز در معرض تهدید تبه‌کاران است. در ۵ سال گذشته هزار مامور پلیس در جین خدمت به دست تبه‌کاران کشته شده‌اند. پلیس از وضعیت شغلی خود به شدت ناراضی و شاکی است، افراد پلیس کمترین دستمزد را دریافت می‌کنند و به ناچیزترین تجهیزات مورد لزوم برای مقابله با تبهکاران مجهز هستند. بیماری ایدز نیز از بلایای اجتماعی در آفریقای جنوبی است. گرچه این بیماری دیرتر از سایر کشورهای آفریقای وارد این کشور شد، ولی به سرعت توسعه یافت. مانند آمریکا می‌گوید در هر روز ۱۵۰۰ شهروند آفریقای جنوبی به بیماری ایدز مبتلا می‌شوند. وزارت بهداشت آفریقای جنوبی می‌گوید: پیش‌بینی می‌شود تا سال آینده بیست درصد از نیروی کار کشور به ایدز مبتلا شود. در سه سال آینده هر ساله ۲۵۰ هزار نفر از این بیماری جان خود را از دست خواهند داد.

شرکت بیمه آفریقای جنوبی برآورد کرده است بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ بیماری ایدز بیشترین قربانیان را خواهد گرفت و شش میلیون نفر مبتلا به این بیماری خواهند شد که ششصد هزار نفر آن‌ها خواهند مرد. در کنار ایدز فساد و ارتشاء نیز بیداد می‌کند: همه و به ویژه افراد پلیس در آفریقای جنوبی دستی باز برای گرفتن رشوه دارند. امبیکی می‌گوید: «گرچه ارتشاء ریشه در دوران حکومت آپارتاید دارد ولی امروز نیز دامنگیر جامعه است، بسیاری از دولتمردان جدید مانند پیشینیان خود فاسد هستند، فساد همه بخش‌های جامعه را در برگرفته و دولتمردان از راه‌های بسیار پیچیده اقدام به کسب درآمدهای نامشروع می‌کنند.»

با این حال ماندلا و امبیکی، آفریقای جنوبی را از مراحل گذراندن آن که اگر موفق نمی‌شدند، وضع می‌توانست بس هولناک‌تر باشد. در سال‌های پرمخاطره انتقال قدرت از آپارتاید به دموکراسی اوضاع می‌توانست به یک جنگ داخلی، جنگی بین نژادها تبدیل شود که هم جامعه و هم اقتصاد کشور را از بیخ و بن به ورطه سقوط بکشاند. اما به جای آن همکاری نژادی موجب شد که ثبات سیاسی و اجتماعی کشور حفظ شود، دارایی‌های کشور محفوظ بماند و قانون اساسی جدید بر مبنای ضد آپارتاید تدوین و اجرا شود.

مأخذ: مجله تایم - ۲۴ مه ۱۹۹۹
برگردان از بخش ترجمه «گزارش»

به یاد ماندنی‌ترین

هدیه

به دوستان در ایران و خارج

یک دوره صحافی شده مجله گزارش

برای کسب شرایط دریافت با صندوق پستی ۵۴۶۷-۱۴۱۵۵ مکاتبه فرمایید